

جارجم جاريت اين آب بسيار غليظ و بارايه کوروست شهر جارجم که حالاً قصبه معتبرست داراي قلعه بروج و باغستان ياد و در
 آن بروی تل مصنوعی رفقی قلعه ايت خراب خالی از سکنه از بلاد قديمه و در کتب جغرافی قديم مذکور و در کتاب سفرنامه مبارک که خراسان
 در سال هزار و دويست و هشتاد و سه که تعليم معجز قلم بهايون نگاشته شده و در کتاب مرات البلدان مفصلاً مذكور است ذر و ايد ظاهراً
 حاصله در اين سفر خيرا در مقام و محل خود با شرحی انی و بطی لایق ايراد خواهد شد جارجم دويست فرسخ از طهران پست تر است

روز جمعه چهاردهم در ظاهر جارجم اتران شد

از ميان قبال سينه وال علیحضرت شایسته ای دام ملکه در اين سفر سعادت اثر انالی اردوی بهايون از هر جهت بجات آسایش
 و رفاهيت فراهم و کلیه امور بوجه کل منظم است و فی تحقیق بنات مجموعاً در و بمشابه شهرت جامع که هر چند از لوازم زندگانی و اسباب
 آسودگی در آن موجود است چهار دو بازار معتبری داراي هر قسم دکان و متعه و اقمشه و کسبه ارباب حرف بار و وی معنی در حرکت است
 که هر چه قلمزین رکاب اعلی بنواهند بدون معطلی در اين اردو بازار حاضر و آماده است و در حال سهولت بدست می آید و بشیر الملک شایسته ای
 اردو بازار در ترتیب و نظم آن وضع معاملات و تسهیل عمل معنی انی و جدي کامل نموده که اسباب ضایع و غرضندی خاطر خطیر بهايون از مغربی است

اعتذار

در نمره های سابق در تعداد و شرح اسامی قلمزین رکاب اعلی از دستة جات و اشخاص مکیده و فقره ترک تعلق افتاده کمال غدر و خیانت
 در محل ظاهر میدارد اولاً پوشیده نباشد که دستة از سواران جارجم بریاست میرزا محمد خان که عضد الملک حاکم لار خان و مهر شاه و در
 ایل حلیل قاجار وزیر حضور شرف اتران رکاب اعلی و از ثانیاً میرزا محمد تقی وکیل لشکر که با اردوی بزرگ بود در شاه رود بار و وی
 پوست نیز در تعداد قلمزین رکاب بهايون است همچنین حنیقلی خان سرتیپ سواره آبر با سواره زرین که ابوجهی مشایره است باین
 شرافت عظمی نایل میشدند

اعلان

در روزنامه شرف نمره ششم مورخ تاریخ شهر شعبان در شرح حال نصیر الدوله وزیر فلاح و تجارت عبارتی نوشته شده بود
 موهوم اینکه وزارت مکرر گانه های ممالک محروسه از جمله شاعل مغربی ایلیه میباشد برای دفع توهم اظهار میدارد که وزارت مکرر گانه های
 ممالک محروسه از شاعل مخصوصه این سلطان زیر دربار عظیم و خزانه عامه میباشد و حکامان مستغلا این وزارتخانه را اداره مینمایند
 و صیغه الدوله وزیر انطباقاً

صیغه الدوله وزیر انطباقاً

شنبه دهم شوال المکرم ۱۳۰۰

نمره پنجم



روز شنبه بیست و پنجم رمضان مکه کوب علیحضرت بهايون شایسته خلدانه ملکه و نه از ظاهر بیست و نه تا هفتاد و نه فرسخ
 مضرب خیام کرد و در حاشام سلطنتی کرد راه تقریباً از مغرب بشرق چهار فرسخ تا یک فرسخ از راه رودخانه عبور میکنند رود عین لطف و رود
 جرمغان رود بازار خانه که زیادتی آب این رودخانه باب عین لطف متحی شده از دستة موسوم به بابا امان بجلگه گرخوان (جرمغان)
 رفته از آنجا آب سار داخل میکردد پس از طی قدری مسافت در طرف دست راست جاده قریه جوت یا سید است که چهل خانوار گرایلی و شاد لود را
 سکنی دارند قدری که از اینجا گذشته دره چاران است که تقریباً هزار فرسخ عرض آن میباشد در این دره در دستة کوه غربی قریه بیست
 به شلاق که سکنه آن نیز شاد لود و گرایلی و بهشتاد خانوار شیبنا قدری از شلاق گذشته در طرف شمال دره و در دست چپ قریه کوه کمر است
 که باغستان معتبری با هر قسم میوه حتی پسته درختها دیده میشود بعد از آن چشمه کالنگ است و در نزدیکی آن چمنی است معروف به انگ بورت پس
 از آن در طرف عین راه دره طویل است که در انتهای آن قریه بنوعی میباشد این قریه در دستة کوه سخی است که مشجر با شجار اوسس میباشد و چشمه از آن
 کوه فرجور جاريت که این قریه دره را مشروب میزند و در بالای کوه با فراده است موسوم بشاهزاده سلطان برهیم از مجادی این دره گذشته دره
 نظاره در آن اقصیت و سمت یافته در طرف دست راست اه در آخر دره روی تنگی قریه چاران بخورد که باغستان آن تا کنون را منبسط
 این بکده دارای شاد خانوار سکنه شاد لود و گرایلی و حمام و مسجد حسینی است و در جنب قریه از زیر سنگ در امتداد پنج فرسخ مسافت
 سنگ آب سرد کوار اخرج میشود و چنان عظیمی که از غرس آن تا کنون پیش از دويست سال است بر سر چشمه دیده میشود و چنانکه بزرگترین
 که همین چشمه این چشمه و بکده در چشمه و قریه چاران میکویند آب چشمه چاران آب نوده که بعد از آن میشود یکی شده چنانکه شاد لود میگویند که چنان
 رفته بنهار متحی میشود در چاران سلسله کوه شمالی موسوم باجان و سلسله جبال جنوبی آن مشهول است که چون از چاران گذشت در آن آفرای می
 و پشت قزاقی آنرا این نام میفرسند از چاران گذشته قریه نوده است که یکی از قزاقی رابعه بلوک چاران میباشد و زیاد از دويست خانوار

صیغه الدوله وزیر انطباقاً

آبادی یکجا بجام و دو مسجد و حسینیه دارد رودخانه نوده از چشمه شکل میساید که آن چشمه هازد است آق مشهد جاری میساید
ارتفاع نوده مثل بخور است باجمله در این ذرا میر حین خان شجاع الله و لیثانی رغبه انو حکمران چنان بفرز فرزند او چو چانی که همه در
اراستگی بود بتبذیل کاب ظفر نصاب علی مستعد گشته مشمول عواطف سینه خسروانی گردید

روز چهارشنبه بیت و ششم موکب معهود مجایون از نوده بجوالی زوارم تشریف فرما گردید راه دو فرسخ و از مغرب مشرق تقریباً در
پس از طی کفر فرسخ راه کوه قراقیه واقع در شمال که در دست چپ راه آبا تها رسیده و رشته کوه دیگر موسوم به آقراغی بدان میسیند
قدری که از اینجا گذشته است کوه طرف مقابل معروف به قزاقی که در سمت جنوب همین راه نیز با تها رسیده دامنه دیگر از کوه است
مشهور بخت میرزا شروع شود باز قدریکه راه پیوسته میرسد تقریباً کوه کوچک شورک که در دست چپ واقع و تقریباً خانوار سکنه در آن
حد و فاصل خاک بخور رود چنان است و جز این کوه امروز در طرفین راه پیش قدم آبادی نیست آنا زوارم که معنی دزه آرم است و کوه است بخیر که
از غریبه و بومی چهار صد خانوار سکنه دارد بومیها ترک قزاقی از قزاقی قزاقی مرده اند و اصلاً ترک نیستند دو باب مسجد و یک حمام و دور
قافله انداز در این آبادی هست و در میان آن تپه است مصنوعی که در قدیم بالای آن قلعه بوده آثار آن لان موجود است و خانه های آبادی چنان
دور تپه ساخته شده است آب اینجا از چشمه سار است و یکقره حاصل عمده این صیفات بر ششم میساید ارتفاع زوارم مثل طهران است و
در کمال خوبی میساید روز پنجشنبه بیت و هفتم در زوارم اتراق شد

روز جمعه بیت و ششم موکب ظفر کوب شاهانه از زوارم تشریف فرمای شیروان که در خط راه از مغرب مشرق و فیما بین دو کوه است
که اغلب از هزار فرسخ الی دو هزار فرسخ فاصله بین جلیان میساید نیم فرسخ از زوارم گذشته در دست چپ کوهی است بالمشبه
مرتفعتر که از دو فرسخ و طی نظر میساید این کوه را امانی کوه سار میسیند نامند زیاده از یک فرسخ که از زوارم گذشته در طرف سیار راه بقعه
بمشهد سلطان محمد رضا میساید و آن بنائی است از آجر کوچک و خاک مثل برایوان دو اطاق که در جنبین ایوان است و بالای اطاق
بین بالاخانه آباد و قرینه آن بالاخانه خراب است و در بیرون بقعه ایوانچه با برای مکن عابرین سردار داده اصل بقعه مربع مساوی الاصل
و ارتفاع بقعه که منتهی میسیند میساید ارتفاع است بالای قبر صندوق خوبی مشکلی است که در سال هزار و دویست و دویست
ساخته شده و در صندوق سلام و صلوات و اشعار چاره معصوم منوشیخ بهائی علیه الرحمه تا آخر کتیبه شده است در نزدیکی
اما فراده بعضی بنا و خانه سینه متوالی است از فرزند کور قزاقی مشهدی که در اصل مشهد طرخی بوده در بالای سربان اما فراده در طرف
شمال بقعه بوده و متوالی آن آبادیها بقعه است که در محل فرور دیده میشود بعد از اتراب است مکان این آبادی نقل به پشت تپه که

در طرف جنوب غربی بقعه و قسمت نموده و آبادی اینجا و بانها مگذشته است و مشرقی حالتی دارای شصت بهشت خانوار سکنه و باستان
زیاد است و اما فراده مذکور بقول مشهور برادر حضرت امام رضا سلام الله علیه است ولی سندی الی لان درین باب بدست نیامده است
نیم فرسخ که از اما فراده گذشته جلگه وسیع شده در طرف دست راست و در از خط راه قریه زرتقان است که زیر جلیان اقصیه و جلیان
از قزاقی معتبر این ناحیه است و از فراتر تقریباً الی کوه قزاقی شیروان از توابع جلیان است در هر حال از مقابل زرتقان که تقریباً
خانوار سکنه دارد راه بطرف شمال منحرف میگردد و پس از ربع فرسخ در طرف عین قریه میساید که پنج شش سکنه آب از چشمه دارد
و قلیل آبی هم از رودخانه جلیان بر میساید و آن بجان شیروان میروند صد خانوار از ایل کرد سیوانلو در قنوان ماکن سلاقی و قشلاقی دارند
آنها شیروان قصبه بزرگ است که تقریباً هزار و پانصد خانوار سکنه و قلعه دارد و مشتمل بر چهل برج و بهمن نایب و کاکین و ساجد و حجام و
و سایر لوازم شهری آن موجود و مشهور است در طرف مغرب در خط بلد تپه است مصنوعی که مارین قلعه بلند بوده ارتفاع آن از سطح شهر
پنج فرسخ و قطر تپه از بالا از طرفی صد قدم و از طرف دیگر هشتاد قدم میساید کوه طرف جنوب موسوم بقراول چکنه و پیش قراول شش و پنجاه
قراول چکنه در طرف مشرق کوهی است که از آنرا قزاقی میسیند پانین تر از کوه آغز قزاقی که چاق و پشت آغز قزاقی
کوه بلند موسوم بشاه جهان است کوه طرف شمال شیروان معروف بکوه تپه است که قزاقی سکنه و بنین که در اصل باغان است و قریه
در زیر این کوه میساید در طرف شمال ایل مغرب شیروان کوهی است مشهور بپنجه کوه و در طرف مغرب کوه آجان است که بنین
و کوه نخوان امتداد دارد در طرف مغرب ایل بخور کوه مختصر است موسوم به اوج قراولش که بالای آن اما فراده است و در زیر آن
معروف بقزاقان میساید رودخانه شیروان که از سمت جنوب شهر میگذرد و سر چشمه آن از نزدیکی در کور وادکان از پهلوی قلعه
ایست و سربل است و در فصل بار تقریباً بیت سکنه دارد و در پای کوه در تابستان آب سار ماه خلعت و در زمستان بعضی از آنها
طوری میسیند که از روی آن عبور میکنند از قزاقی مغرب شیروان آند آباد است که چهار صد خانوار سکنه و باغات زیاد دارد
قلعه آند آباد بقعه است که معروف بشیخ مقدم میساید و مات طرف مشرق شیروان تابع توچان است و آب مات فرورده است
از رودخانه بعضی از قزاق و طیلی از چشمه است تیزی زمین شهر جریان دارد که اصل آن از قزاق میساید وضع شهر آباد است
و استظاله آن از مشرق مغرب و بعد از طرف شمال در نصف کتر از طول شهر قدری فرورده شده است در حوالی شهری است که
فصل بارندگی از آن میل جاری شده کثر باغات شهر مشرب میساید ارتفاعات شیروان و سردختی و صیفی کاری از خزر
و بند وانه و پنجه و غیره میساید ارتفاع شیروان مثل طهران است و راه از زوارم تا شیروان فرسخ میساید

روز شنبه بیت و نم موکب منصور شایسته ایده تده تعالی بنصره اشیروان نهضت فرماکر دیده قریه بززل آباد مضر خیم سپهر
سلطنتی کردید راه فرسخ و از مغرب بشرق در جلگه است که کفرسخ عرض آن میسباید تقریباً بعد از طی کفرسخ راه در طرف دست چپ
قریه امیرآباد شجاع الدوله است که پانزده خانوار سکنه دارد و آتش از قنات ازین قریه گذشته در طرف راه آبادی دیده میشود
بعضی قرای شیروان که در دست کوه شالیست ذکر آنها در شرح شیروان شده است و در سمت راست دراز راه قریه
که باغ قوچان میسباید و صد و پنجاه خانوار سکنه دارد و آتش از چشمه تپه مصنوعی درین هکده است قریب به صد هکتاره و قدیمی که
از تل مصنوعی شیروان بالای تل مثل تل شیروان مطح است و دور آن طح چند سال قبل دیواری کشیده از بززل آباد صد خانوار
جمعیت دارد و آتش از قنات و از رودخانه که از قوچان می آید در مقابل آبادی بززل آباد آثار قلعه بزرگ مربعی است که انالی از آن تپه میکند

علایم بروج در آن هست و آثار آبادی یافت می شود ارتفاع اینجا نیز با طران مساوی است

روز یکشنبه غره شهر شوال که عید رمضان است موکب فرخنده کوکب خسروانه از بززل آباد تشریف فرمای چمن لیلی کردید راه فرسخ و از مغرب
بشرق و باز در جلگه وسیعی است که زیاده از کفرسخ عرض دارد و بعد از کفرسخ راه در طرف دست راست قدری دراز جاده قریه فیض آباد
که تقریباً بی خانوار آبادی دارد و آتش از رودخانه است که از قوچان می آید کوه شاه جهان در طرف دست راست است و زیاده از کفرسخ
از جاده دور در زیر کوه شاه جهان قرای میوان و گلبی و خیرآباد و سیاه دشت و حیره و غیان از دور دیده میشود نیز در همین طرف نزدیک
راه قریه برگراست که در اینجا خانوار سکنه و آتش از قنات میسباید در طرف دست چپ راه که سمت شمال باشد یک رشته کوه تا مجاذی
کشیده است که آنرا امیرتوکونیند و اصل آن امرود لو میسباید بعد از آن رشته کوه دیگر است موسوم بیا داغی و چند قریه در زیر کوه
از جلگه خف آباد که زیاده از صد خانوار سکنه دارد و سعدآباد و حوا آباد و جهان آباد که تازه آباد شده و کل با دام و حصار که پنجاه خانوار سکنه
واقع باغ که آبادی آن بقدر حصار است و خوشان کهنه که آن نیز هکده است با صد خانوار رعیت آب آباد اینها میزبوره از قنات
بکفرسخ از برگرد گذشته در طرف سیار وصل بر راه قلعه خرابه است که بروج و خندق معتبری دارد و آنرا اهل آباد خرابه گویند قدری از اهل آباد
قریه یام است که وصل چمن لیلی میسباید سکنه آن تقریباً پنجاه خانوار و نزدیک آن تپه مصنوعی معروف بیام تپه از یام تپه
چمن لیلی است که در این ناحی انگلیس میگویند و چمن بسیار وسیعی است نیز در اوایل چمن کهنه که کوه چلی است موسوم بغرفا کب بعضی
باغ و باغین دارد ارتفاع اینجا نیز مثل منزل سابق است

روز دوشنبه دویم شوال ظاهر قوچان مضر خیم سپهر سلطنتی کردید راه از مغرب بشرق و فرسخ و در جلگه وسیعی است و بعضی

تپه بای مصنوعی دور از خط راه دیده میشود قریب سیصد لی و در میوند قریه در خط راه است موسوم بقره غار بادی سکنه آن چهل خانوار است
از قنات قدری از آن گذشته در طرف سیار راه آثار قلعه خرابه نمودار است که تپه مصنوعی در وسط آن دیده میشود و این قلعه را حکم آباد میکنند
باز قدری که طی مسافت نموده قریباً از آبادی است که خط راه از میان آن میگذرد و قریب پنجاه خانوار سکنه دارد از اینجا گذشته باغستان
قوچانست که اغلب رستبان میسباید قوچان که در اصل خوشان است مغول آنرا قوچان میگویند و باین اسم معروف شده است از شهرهای
معتبر در استان سانس و پنج شهر خانوار سکنه دارد و آباد کاکین بازار معتبره و قلعه که دارای چهل برجست و بیت باب مسجد و حاکم
و اما مراد بسیار معتبری معروف سلطان برای حکم که از قرار مذکور فرزند حضرت امام ثامن علی بن موسی الرضا علیه السلام است
عمارت عمده این اما مراد بقعه است بسیار عالی که بواسطه زلزله عمده منهدم گردیده و شجاع الدوله اینجانی و والده او مرمت و تجدید
عمارت نموده و الان هم مشغول ساختن کسبند میسباید و چون شرح این بلده در سفرنامه مبارکه مشهودست در سال هزار و دویست و شصت
که قلم مخبر رقم مبارک نگاشته شده مطورا و بعد از آن منقول شده است در این قسطنطنیه قیام میسباید ارتفاع قوچان با طران میسباید
روز سه شنبه شوال و چهارشنبه چهارم در قوچان اتراق شد و محض ظهور مرآه خاصه طوکانه در باره امیر سنجان شجاع الدوله اینجانی
حکمران قوچان که در خدمت موکب ظفر نشان مساعی موفوره و استقامات لایق نموده بود مشارالیه را بمنصب حلیل امیر توانی خلعت
طلعت بهایون مفتخر و مباحی فرس نمود

روز چهارشنبه پنجم شوال موکب معود بهایون از نظام قوچان تشریف فرمای علی آباد کردید راه چهار فرسخ و از مغرب بشرق در جلگه وسیعی میسباید
کوه طرف شمال که در سیار راه است موسوم بقراول میسباید و چندان ارتفاعی ندارد در پشت کوه قراول همان امتداد کوه دو قلعه
کوه طرف جنوب که در همین راه است محبیک مینا و عرض فاصله فیما بین کوه تقریباً یک فرسخ است و باقی که از دور در دست کوه سیک
دیده میشود موسوم بنیت و چند آباد و نیز در آن آباد و نوروزی و گلجی و مسابراج و کفری و سرب و میسباید و آبادی و کوه دو قلعه
که بنظر میرسد محبیک است نیز در دست دو قلعه مقبره است که انالی از آن پهن میگویند کفرسخ که از قوچان در میوند در طرف دست چپ
قدری دراز جاده قریه فتح آباد است که تقریباً بی خانوار سکنه دارد و آتش از قنات و این فتح آباد خوشان است که در
توابع مذکور و متعلق در شاه است رودخانه موسوم بروخانه قوچان که در اینجا دیده میشود و بطرف قوچان جایت درین فصل که او
اسد است چهار سنگ آباد و در حرمش آن میان کوه کاسن نزدیک قریه تپه میسباید کوه کاسن شمال کوه عمارت و در
همین جلگه که خط راه در آن است واقع رودخانه مزبور و قریب سیصد لی و در کالی میرسد بواسطه بعضی باها فرود دیده میشود

از فتح آباد در سیار راه و در از جاده قریه بی بی است که شصت خانوار سکنه دارد و در عرض قریه بی بی فاصله یکمیدان قریه نذر آباد
وزیر بی بی قریه حسن آباد قدری بزرگتری مسافت نمودند در طرف راه و قریه است که هر دو موسوم بفرخان میشناسند و هر
سی چل خانوار سکنه دارند در اینجا نیز تپه مصنوعی دیده میشود از فرخان گذشته علی آباد است که دارای شصت خانوار سکنه و حمام مسجد
و آب آن از رودخانه قوچان رعایای اینجا ترک جان قربانی هستند ارتفاع علی آباد از طهران یکصد ذراع است
رو در چشمه شوم سوال از علی آباد تشریف فرمای سویمان کردید راه هفت فرسخ و از مغرب مشرق و همه جاد و جلگه عموماً موسمی است
در نزدیکی منزل که قدری سستی و بلندی دارد تقریباً یکمیدان سب از علی آباد گذشته قریه دیزه بان در خط راه است و پس از یک فرسخ قریه
که آن نیز در خط راه میباشد و دارای صد خانوار سکنه و آبش از قنات در دامنه کوه طرف جنوب که در همین است قنات و قریه کربا
و قلعه و کوه و قلعه عباس آباد و قلعه دینی میباشد در طرف دست چپ راه قدری در از جاده قریه داوودی است که سکنه آن صد خانوار
و آبش از قنات قدری از خضر آباد گذشته در طرف دست است بفاصله یکمیدان از جاده قلعه خرابه است موسوم بحسین آباد
از اینجا که قدری طی مسافت نمود در همین طرف راه وصل جاده قریه دست آباد است که شصت خانوار سکنه و مسجد جامعی دارد تقریباً
در سه فرسخی راه قریه یا ساقی است که خط راه از وسط آن میگذرد و خاک قوچان بتقریب منتهی میشود و بعد از این قریه دیگر آبادیها
خاک را در کان از اعمال این ولایت است سکنه یا ساقی تقریباً سی خانوار و تپه مصنوعی دارد که طرف شمال یا ساقی موسوم بکوه انول است که انالی
تلفظ میکنند و کوه طرف جنوب که دو قلعه باشد بعضی آنرا غفرانلو نیز میگویند قریه یغفر نیز نام دارد در طرف دست چپ تقریباً یکمیدان از
قریه قوچان است که قریب چل خانوار سکنه و باغستانی دارد و حوضی موسوم بپوش حص این حص از سنگ ساخته بوده اند ولی حال آنکه
نزدیک سویمان طرف سیار راه روی کوه تپه مانند مقبره است که انالی آن نواحی را بدان حسن عقاید مخصوصاً در طلب لاد و مدفونان
مقبره را نشان داده بانی گویند بعضی قبور نیز در حوالی این مقبره دیده میشود قریه سویمان چل خانوار سکنه دارد که در قلعه سکنه و مسجد جامعی
دارند آب سویمان از دو کاریز است یکی موسوم سویمان دیگری معروف بزاخلان کوهی که سویمان زیر آن واقعست در طرف شمال
آبادی و موسوم بعبادت میباشد و پشت این کوه رشته کوه معتبر بزرگ است و اسم این کوه را کلن استوار و انگلیسی در نقشه خود نیز از
ضبط کرده گویند در این کوه خاقلها همای عدیده معتبره بوده و قشام کیاها دارد که سیاهان لک بطلب آن گیاها باین صفت
می آیند درخت اورش در این کوه بسیار است و رشته آن با زیر را در کان کشیده و کوه طرف مقابل چنانکه ذکر شد موسوم
بدو قلعه و هر قطعه از آن نیز اسم مخصوصی دارد ارتفاع سویمان مثل طهران است

روز شنبه بنفتم موبک مایون شامی ام مکه از سویمان بجوالی را در کان تشریف فرمای کردید راه کمتر از دو فرسخ و از مغرب مشرق است
و در خط راه آبادی نیست و همین جهت درین راه حوضی از سنگ ساخته اند که مستف بوده ولی سقف آن حال آنکه این حوض را
است که آب باران آن جمع شود و بکار عابریان یکمیدان از سویمان گذشته در طرف دست چپ راه قدری در از جاده قریه
گورسکان است که چل خانوار سکنه و حمام و مسجدی دارد و آبش از کاریز و چشمه بعد از آن بقیل فاصله در همین طرف وصل برادر
به مکان است که حال آنکه آبیر میباشد و قریه خج نیز در همین طرف از دونا میاست و اما مزاده دارد موسوم بشانرا
امام حسن
آبادی را در کان قصبه است معتبر دارای پانصد شصت خانوار سکنه و چهار هزار جمعیت و صد باب کالین یک مسجد بزرگ
و دو مسجد کوچک و دو حمام و دایره قلعه که شانزده برج دارد و در ضلع طرف شمال شرقی شهر قلعه ارگ است که یازده برج داشته
باجمع لوازم و شرح جمله در محل خود مذکور خواهد شد را در کان رودخانه است که از دره واقع در شمال غربی جاری شده
و در جلگه را در کان بمصرف زراعت میرسد آب چشمه و قنات نیز در این ناحیه زیاد است
از آثار قدیمه را در کان که محل ملاحظه است برج یا میل را در کان میباشد که در نیم فرسخی شهر و در طرف مشرق میل جنوب است
دوره میل از بیرون چهل متر و از داخل میت و هشت متر و ارتفاع آن که هم از روی شماره آجر و هم بقیاس تحدید سایه چسب
بدقت معین شد میت و پنج درع و قطر دیوار از پائین و ذرع و وضع میل از داخل شصت و از بیرون از سطح زمین تا ذرع و نیم دور ساخته
شده بعد از آن شملت برسی و شش ترک که هر ترکی بگل نیم ستون مدور تازیر کشند و در زیر کشند دوره از کاشی آجر
سنت شده و تزیینات کوفی بوده که محو شده و ریخته و مسکوک است که این خط کاشی بوده و متن آجر مثبت یا عکس از آن است
بشکل مخروطی این میل دو طاق بالای هم داشته طاق زیرین آب شده است و در طرف و جنوب میل مشرق هم بواسطه
سکاف و خرابی کمی دست داده و با وجود این سکاف که خیلی از استحکام آن کاسته باز قرنهای آمار این باقی خواهد ماند این میل را
در است یکی رو مشرق میل جنوب دیگری در برابر آن که رو مغرب میل جنوب میشود را در کان تقریباً دو سیت ذرع از طهران
پست تر است
روز شنبه بنفتم موبک مایون خسروان را در کان تشریف فرمای چشمه کیلاش شد راه شش فرسخ و از مغرب مشرق
ولی قدری بطرف جنوب میل میباشد تکفرخ از را در کان گذشته بچمن بو باغ میرسند و این بان لنگ معروف با

رادکان است که در وسعت و حضرت مشهور میباشد پس از آن در طرف جنوب شرقی رادکان دو فرسخی این بلده چنار است
 و چناران رودخانه دارد که سرچشمه آن در سعید آباد و در کوه آغله از کوه دو و تخته است که در طرف جنوب غربی رادکان
 میباشد و این رودخانه تلخی بکشد و در می شود و سرچشمه رود کشف و در چمن کوب باغ و حوالی آن است از اینجا تا مشهد مقدس
 قرا و قلاع بیکدیگر وصلت و نادر صفحه است که اینطور آبادی آن امتداد و اتصال یافته باشد بنا بر این یکدیگر را سا
 قرا و قلاع و مزارع نپرداخته در محل خود تفصیل مذکور خواهد شد

آب چشمه کیلاس در زیر کوه سیت که در طرف شمال جلگه موسوم به بین اسم واقع و تقریباً پانزده سنک آب از آن
 جاری بطرف جنوب یل بشرق و آن و بمشهد مقدس میرود در پهلوی چشمه کیلاس آثار نهریت که آب چشمه کیلا
 را بواسطه این نهر بطرف مغرب میرود و در زیر این نهر بلافاصله آثار آب دیده میشود تیرا نهر دیگر در چشمه کیلاس
 که ازین نهر آب بطوس میرفته است در عهد شاه عباس صفوی این نهر متروک و آب شهر مشهد مقدس جاری شده است
 این آب و از ده فرسخ راه طی میشود تا شهر میرسد قریب چشمه کیلاس تقریباً سی خوار رعیت دارد کوهی که چشمه کیلاس
 از زیر آن بیرون می آید موسوم بکوه چشمه کیلاس است و کوه مقابل آنرا که در طرف جنوبست و بنا که دو تخته کوه
 نیشابور گویند چشمه کیلاس و سیت فرع از طهران پست تر است
 روز دوشنبه نهم در چشمه کیلاس اتفاق شد

روز سه شنبه دهم موبک هایون از چشمه کیلاس تشریف فرمای چمن قهقش کرد در نزدیکی چمن قهقش آثار شهر طوس از
 و بناهای سلطنتی و غیره دیده میشود که شرح آن در محل خود نگاشته میشود همچنین شرح قلعه خرابه که موسوم بشهر قهقش و در
 و آثار آن نمودار میباشد

اعلان

بانی اردوی همایون اطلاع داد میشود در توقف ارض اقدس مراسلات خودشان را مستقیماً به پستخانه معمولی اردو که در پست آن
 با اسد الله خان تحویل نمایند پستخانه شهر و این نکته برای آنست که تقریباً کاب مبارک همیشه در مشهد مقدس نماند تا چنانچه
 علمه و امانات بدین قبض وصول نمیشود باینکه باید مواظب معمول پستخانه اردو داده شد و آنرا در مسول ند یا اگر پستخانه مشهد
 از پستخانه اردو و محض مطالبه اب و قبوض باینکه نخواهند داشت چشمه نهم
 صنایع اردو و وزیر انطباعات



در غیر قبل نگاشته شد که روز سه شنبه دهم شهر شوال المکرم موبک فرخنده کوب علیحضرت شاهنشاه سجاه خرد و صاحبان
 تشریف فرمای چمن قهقش کردند در این روز علمای اعلام ساکن شهر مشهد مقدس کثرتاً تعالی امثالهم با استقبال مقدم بجهت
 حضرت ظل اللہی مبارک نموده بشرف حضور معدلت ظهور همایون نایل و لطاف مکارم شاهانه مستظرف گردیدند
 روز چهارشنبه یازدهم موبک هایون از چمن قهقش منتهاض فرموده حازم و رود ارض اقدس و شهر شریف مشهد مقدس
 و قبل از ورود موبک سعید شاهانه فتونی که در کاب ظفر نصاب علی بودند بحرب امر قدر پادشاهی از توپخانه و پیا
 کلاً بالبدنه سمیه داخل در صحن مقدس شده احترامات نظامی را عمل آورده و سیرق خوابانیده پس از قیام بر سر تعظیمات
 در برابر مقدمه مطهر بار و در محل اقامت خود معاودت کردند

ذات ملکوتی صفات خسران درین راه پس از صرف نهار سواره بفرم شهر حرکت فرموده نواب کن الدوله و مستشار الملک که
 از رادکان برای تنظیمات عمل شهر و غیره از کاب مبارک ترخص شده بودند در اینجا با شاهزاده احمد میرزای معین الدوله و سایر
 و عینی میرزای پسر کن الدوله و سایر شاهزادگان امرای متوقف خراسان بر کاب مبارک شرف گشته تمام اهل
 از ارباب قلم و اهل شمشیر و سرگردهای سواره پیاده کل طوائف خراسان با استقبال کاب مبارک آمد بحضور حضرت
 همایونی تشریف جسته شش ساعت بغروب نمانده سواره ز دروازه بالا میان داخل شهر گردیده قوچ توپچی شرفی و شقایق کبری
 عسکرخان قوچ شقایق فرجاده غنی بسر کردگی آمان انده خان سرهنگ و قوچ فیروز کوبی بسر کردگی ایسماعیل خان تهرانی
 ساخلو مشهد داخل شهر صف کشید از نظر ملوکانه گذشتند پانصد قدم بحرم اول آستانه مقدسه نمانده از اسب پیاده شدند
 آستانه گردیدند ابتدای صبح تمام خدام و سرکشیکان در بانان آستانه مطهره علمای سرکار فیض آثار در جلوه آوردند